

هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

تبیین و تشریح نقش ارکان نظام در تحقق الگوی ایرانی اسلامی پیشرفت (دولت، مردم،

رسانه‌ها)

دکتر مسعود جعفری نژاد<sup>۱</sup>

سید علی اصغر علامه<sup>۲</sup>

## چکیده

اینک بعد از ۷ سال، مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، سند "الگوی پایه اسلامی-ایرانی پیشرفت" را منتشر کرده است. در پی تدوین الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت، که در آن اهمّ مبانی و آرمان‌های پیشرفت و آفق مطلوب کشور در ۵ دهه آینده ترسیم و تدابیر مؤثر برای دستیابی به آن طراحی شده است. الگویی که بنا بر مقتضیات جغرافیایی، تاریخی و فرهنگی کشور ما و در مقابل با الگوهای توسعه‌ای که تاکنون بر مبنای جهان بینی غربی و بدون انطباق با نیازهای مختلف کشور ما در طی دوره‌های مختلف تدوین و اجرا می شده است، طراحی و ابلاغ شده است. با بررسی و پیشینه شناسی اهمّ تحقیقاتی که تاکنون صورت گرفته است این نکته آشکار می‌شود که تاکنون مبانی معرفتی این سند و ضرورت‌های تدوین چنین سندی از سوی محققان مورد توجه قرار گرفته است و کمتر به نقش عوامل و عناصر مختلف کشور در تحقق بخشیدن به این الگو پرداخته شده است. مقاله حاضر تلاش دارد نقش ارکان مهم نظام همچون دولت، رسانه و نخبگان را به عنوان مسأله تحقیق مورد بررسی قرار دهد.

واژگان کلیدی: الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت - پیشرفت - ارکان نظام - دولت - رسانه - نخبگان

## مقدمه

اینک بعد از ۷ سال، مرکز الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت، سند "الگوی پایه اسلامی-ایرانی پیشرفت" را منتشر کرده است. در پی تدوین الگوی پایه اسلامی ایرانی پیشرفت، که در آن اهمّ مبانی و آرمان‌های پیشرفت و آفق مطلوب کشور در ۵ دهه آینده ترسیم و تدابیر مؤثر برای دستیابی به آن طراحی شده است، حضرت آیت‌الله خامنه‌ای رهبر معظم انقلاب اسلامی، دستگاه‌ها، مراکز علمی، نخبگان و صاحب‌نظران را به بررسی عمیق ابعاد مختلف سند تدوین شده و ارائه نظرات مشورتی برای تکمیل و ارتقای این سند بالادستی فراخوانده‌اند. ایشان همچنین مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را

۱. استادیار علوم سیاسی، رئیس دانشگاه آزاد اسلامی، واحد خمینی شهر اصفهان

۲. دانشجوی دکتری علوم سیاسی (گرایش سیاست‌گذاری عمومی) دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرضا

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

موظف کردند که با مشورت مراجع مندرج در ابلاغ، نظرات و پیشنهادهای تکمیلی را دقیقاً بررسی و بهره‌برداری کند و نسخه ارتقاء یافته الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را حداکثر ظرف ۲ سال آینده برای تصویب و ابلاغ ارائه کند، به طوری که از ابتدای قرن ۱۵ هجری شمسی اجرای این الگو با سرعت مطلوب آغاز شود و امور کشور بر مدار آن قرار گیرد. (<http://leader.ir/fa>) با توجه به تاریخ گذشته سرزمین ایران و با همه کم و کاستی‌ها، مردم مسلمان ایران همواره در اندیشه تغییر سرنوشت خود و تلاش در راستای بهبود اوضاع بوده‌اند اما تأکیدات مقام معظم رهبری (دامت برکاته) بر امر الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ حکایت از دغدغه‌مندی ایشان نسبت به وجه بومی‌گرایی در عرصه‌ی پیش رو و تلنگری به این روحیه‌ی بهبود خواهی ملت ایران بود. لذا ضروری است که تمامی دست‌اندرکاران نظام و مردم تأکیدات ایشان را نصب‌العین خود قرار داده تا شیوه و الگویی را که به اسم الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت از سوی ایشان بیان شده است را به حقیقت نزدیک کرده و در این مسیر بتوانیم تغییر سرنوشت خودمان را با هم و در یک مسیر معلوم و مشخص به پیش ببریم. الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت که نقشه‌ی حرکت ابعاد مختلف جامعه جهت تحقق تمدن نوین اسلامی می‌باشد، از یک سو بر مبانی فلسفی اسلام استوار است و از دیگر سو، فکر و ابتکار ایرانی آن را استخراج و تدوین نموده است.

تدوین الگویی در راستای پیشرفت ایران که مبتنی بر شرایط تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی ایران و بر اساس تعالیم اسلامی باشد حکایت از عدم کارایی مدل واحدی از پیشرفت برای همه جوامع عالم می‌باشد و اکنون که فرصتی پیش آمده تا در پی فرمایشات مقام معظم رهبری، سندی برای تحول و پیشرفت کشور مبتنی بر مبانی اسلامی و بستر ایرانی تنظیم گردد، ضروری است که در وهله اول به معایب و نواقص مدل‌های توسعه غربی که بدون توجه با بافت جامعه ایرانی سال‌ها سرلوحه اداره کشور بوده است، پرداخته شود و در ادامه همه عناصر مؤثر در کشور اعم از مسئولین و مردم در راستای تحقق اهداف و چشم‌اندازهای این سند سعی خود را بنمایند. نوشتار حاضر در پی آنست که ضمن برشمردن دلایل و زمینه‌های تدوین چنین سندی، وظایف نهادهای مختلف در اجرای بهتر این سند بررسی نماید.

### مفهوم‌پردازی الگوی اسلامی - ایرانی

الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت به مجموعه نظام‌مندی از مفاهیم، اصول موضوعه، قوانین و راهبردها اطلاق می‌شود که در ساختاری منطقی و مبتنی بر مبانی معرفت‌شناختی و هستی‌شناختی اسلام و در چارچوب حقوق و اخلاق اسلامی به تحلیل وضعیت موجود ایران و تبیین وضعیت مطلوب آن و ارائه راهبردها برای تغییر وضعیت موجود می‌پردازد. (میرمعزی، ۱۳۸۹) الگوی طراحی شده بر دو مبنای اسلامی و ایرانی طراحی شده است. بدین معنا که بستر تاریخی، جغرافیایی و فرهنگی ایران زمین را محملی واقعی و مبتنی بر واقعیات و مشخصات خاص خودش مرجع و منبع طراحی

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

نظریات در حوزه‌های مختلف علوم از گذشته تا به امروز می‌دانیم و وجه اسلامی این الگو هم تأکید بر جهان‌بینی اسلامی و مبانی معرفت‌شناختی آن در تقابل با نظریات سکولار غربی می‌باشد که نه تنها مبتنی بر واقعیات جوامع اسلامی نیست بلکه طی سالیان طولانی، آزمون ناکامی خود در جوامع گوناگون را پس داده است. در توضیح این مفهوم، مقام معظم رهبری دو وجه اسلامی، ایرانی بودن الگو را به این صورت تبیین می‌نمایند:

ما باید پیشرفت را با الگوی اسلامی - ایرانی پیدا کنیم. این برای ما حیاتی است. چرا می‌گوییم اسلامی و چرا می‌گوییم ایرانی؟ اسلامی به خاطر اینکه بر مبانی نظری و فلسفی اسلام و مبانی انسان‌شناختی اسلام استوار است. (دیدار دانشجویان دانشکده فردوسی مشهد ۱۳۸۶/۲/۲۵) که لازمه تحقق این موضوع، تحقیقات عمیق اسلامی و ارتباط وثیق و پیوسته با حوزه‌های علمیه و فضایی متفکر، آگاه و مسلط بر مبانی فلسفی، کلامی و فقهی است. (دیدار اعضای شورای عالی مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، ۱۳۹۵/۲/۶) ایشان همچنین وجه دوم یعنی ایرانی بودن الگو را بدین صورت بیان می‌کنند: چرا می‌گوییم ایرانی؟ چون فکر و ابتکار ایرانی، این را به دست آورده، اسلام در اختیار ملت‌های دیگر هم بود. این ملت ما بوده است که توانسته است یا می‌تواند این الگو را تهیه و فراهم کند. (دیدار دانشجویان دانشگاه فردوسی مشهد ۱۳۸۶/۲/۲۵) ایران، زمینه‌ی تحقق این الگوست و اگر به فرهنگ، تاریخ، جغرافیا، اقلیم، آداب و سنن و سرمایه‌های انسانی و طبیعی کشور توجه نشود، الگوی پیشرفت سندی غیرقابل تحقق و بدون استفاده خواهد شد. (دیدار اعضای شورای عالی مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت ۱۳۹۵/۲/۶). ویژگی‌های این سند به وضوح بر بومی‌گرایی جغرافیایی، تاریخی و دینی کشور تأکید می‌ورزد و واقعیت‌های زیسته جامعه ایرانی در تاریخ معاصرش را به طور ضمنی گوشزد می‌کند.

سه مفهوم اساسی این سند عبارتست: اسلامی، ایرانی و پیشرفت. این مفاهیم اینگونه تعریف می‌شوند:

۱- اسلامی: اسلامی بودن الگو، به معنای استخراج مبانی، چارچوب‌ها و الگوی پیشرفت از منابع و مبانی اسلامی می‌باشد، مبتنی بر مبانی نظری و فلسفی اسلام و تمامی مراحل و فرایندهای طراحی و اجرای الگو باید بر خواسته از اسلام باشد. تقلید از اندیشه‌های غیر اسلامی و چارچوب‌های غربی و غیربومی در این زمینه زیانبار است اگر چه استفاده از نقاط مثبت دستاوردهای فرهنگ و تمدن بشری، پس از بومی‌سازی مدنظر خواهد بود. این الگو، اسلامی است، به خاطر این‌که غایات، اهداف، ارزش‌ها و شیوه‌های کار، همه از اسلام مایه خواهد گرفت، یعنی تکیه ما به مفاهیم اسلامی و معارف اسلامی است.

۲- ایرانی: منظور از ایرانی بودن یعنی اینکه الگوی ایرانی، طراحان آن متفکران ایرانی هستند. ما نمی‌خواهیم این الگو را از دیگران بگیریم، ما می‌خواهیم آنچه را که خودمان لازم می‌دانیم، مصلحت کشورمان می‌دانیم، آینده‌مان را می‌توانیم با آن تصویر و ترسیم کنیم، این را در یک قالبی بریزیم.

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

۳- پیشرفت: فرهنگ فارسی معین، پیشرفت را به معنای جلوتر رفتن و ارتقا معنا کرده است. (معین، ۱۳۸۶، ج ۱، ۹۲۵) منظور از پیشرفت، وجود حرکت، تکاپو و جهش از وضع موجود به سمت رسیدن به وضع مطلوب یعنی چشم‌انداز یا اهداف بلندمدت و میان‌مدت است، در این الگو، ایستایی، رکود، توقف و تردید راه ندارد و این پیشرفت باید در مقایسه با رقبای ما مشهود و ملموس باشد، رشد و تعالی انسان محقق شود. پیشرفت عبارت است از مدیریت آگاهانه‌ی روند پویا؛ یعنی حرکت انسان در زندگی او به طور خودآگاهی پایش شود به طوریکه این پایش حرکت، زائیده‌ی یک هدف‌گذاری تعریف شده باشد. در این راستا الگوی پیشرفت، نسخه‌ای هویتی می‌باشد که مؤلفه‌های هویتی آن، از نوع هویت حاکم بر یک تمدن تبعیت می‌کند به نوعی باید گفت که هر الگوی پیشرفت بازتاب دهنده‌ی تفکرات اعتقادی حاکم بر تمدن موجد آن می‌باشد. (امرائی، حسن، ۱۳۸۸، ص ۴۲) در کلام رهبری مقصود از پیشرفت «حرکت از وضعیت موجود جامعه به سمت وضع مطلوب اسلامی» است. منظور ما از پیشرفت، تنها توسعه مادی نبوده، بک امر معنوی به سمت هدفها (بیانات رهبری در دیدار مسؤلان وزارت کشور ۱۳۷۰/۹/۲۷)، پر کردن خلاءها (بیانات رهبری دیدار با بسیج دانشجویی ۷۱/۱۰/۱۵) و تکاملی می‌باشد.

### ادبیات تحقیق

تأکید بر بومی‌سازی علوم و تلاش در راستای تدوین علوم انسانی اسلامی و تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت به کرات در کلام مقام معظم رهبری به کار برده شده و در مبحث اخیر از زمانی که به طور جدی‌تری مورد تأکید قرار گرفته است و سازمانی از نخبگان در پی تدوین سند عملیاتی این الگو برآمده‌اند، مقالات متعددی از سوی پژوهشگران به جنبه‌های مختلف این الگو پرداخته‌اند. مقاله سنچولی (۱۳۹۲) ضمن تبیین ماهیت الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، شاخصه‌های مختلف این الگو را بررسی نموده و شاخصه‌ها و راهبردهای دستیابی به آن را مورد بازشناسی قرار داده است. نوبخت (۱۳۸۹) در نخستین نشست اندیشه‌های راهبردی، الگوی مطلوب توسعه ایرانی اسلامی را ارائه نموده که به نوعی دیدگاه بدنه اجرایی دولت می‌باشد. شاکرین (۱۳۹۵) در بررسی مبانی معرفت‌شناختی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، تلاش نموده است مبانی نظری و فلسفی اندیشمندان مسلمان را بازشناسی و نقش آنها را در تدوین الگو مورد بررسی قرار دهد. مصطفوی (۱۳۹۶) با تحلیل محتوای پیش نویس سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، تلاش نموده است واژه‌های به کارگرفته شده در این پیش‌نویس را با واژه‌ها و مفاهیم اقتصاد اسلامی در مقایسه با قانون اساسی مقایسه کند. واعظی (۱۳۹۰) در مقاله خود به بررسی سهم نظریه‌پردازی سیاسی و دانش سیاسی اسلام در طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پرداخته است. حسینی و دیگران (۱۳۹۴) در مقاله‌ای به بررسی نقش مشارکت نخبگان در تدوین الگوی اسلامی ایرانی - ایرانی پرداخته‌اند. این مقاله به نقش حساس و بسیار ضروری دخالت مؤثر همه گروه‌ها و به ویژه نخبگان فکری جامعه پرداخته است. از دیگر مقالات این حوزه به اختصار می‌توان به میرمعزی (۱۳۸۹)، رشاد (۱۳۹۱)، مختاریان پور (۱۳۹۱)، فاتح راد و همکاران (۱۳۹۱) اشاره نمود. علی‌رغم مقالات نسبتاً زیادی که در این حوزه نگارش یافته‌اند باید اذعان شود

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین و بیست و سومین خردادماه ۱۳۹۸

که بیشتر موارد ذکر شده به مبانی الگو، ضرورت‌های تدوین، بررسی مفاهیم و مبانی معرفت‌شناختی این مفاهیم پرداخته شده است و کمترین مقالات به وظایف و نقش عوامل و عناصر مختلف در محقق شدن این الگو پرداخته‌اند و از این منظر، تحقیق پیش رو جزء معدود نوشتارها با این موضوع خواهد بود.

### ضرورت‌های تدوین الگوی پیشرفت بومی

در نگاهی کلی، می‌توان نظریه‌های رایج درباره توسعه و پیشرفت از منظر متفکران داخلی را به دو دسته عمده تقسیم کرد: دسته اول کسانی هستند که الگوی رایج در پیشرفت تمدن غربی را تنها الگوی پیشرفت مقبول می‌دانند و برای آن، قواعد و معیارهای عام قائل‌اند. در نزد اینان ملتی که خواهان پیشرفت و رفاه است، چاره‌ای جز تبعیت از این الگو ندارد. برای تحقق این نوع توسعه، تخریب سنت‌ها و باورهای ملی و مذهبی، کمترین هزینه‌ای است که باید پرداخت. چنین اندیشه‌ای بر آن است که هویت ملی و دینی ایرانیان و باورهای فرهنگی جامعه ایرانی منطبق با هویت جهانی نیست. به عبارتی ایرانیان نتوانسته‌اند بین هویت ملی و دینی با هویت جهانی نسبتی معقول برقرار کنند. «لذا بدون آماده‌سازی فرهنگی و بدون تحول شخصیت ایرانی، نه خصوصی‌سازی اقتصادی میسر خواهد بود و نه توسعه سیاسی علمی» (سریع‌القول، ۱۳۸۲: ۱۶). این دیدگاه، توسعه‌نیافتگی ایران را مفروض می‌پندارد و بر این اساس، خواستار حذف هر گونه مانع برای دستیابی به الگوی پیشرفت غربی است. این گروه بر آنند که بایستی تاریخ تکرار گردد و پیش‌انگاره‌های دوره نوین را بارور کرد و میوه توسعه را از درخت مدرنیسم باز چید و این همان راهی است که نسخه نویسان الگوی توسعه غربی در اختیار ما گذاشته‌اند. این دیدگاه در تاریخ معاصر ایران و در برنامه ریزی توسعه ایران نقش پررنگی تاکنون داشته است.

در مقابل این دیدگاه اندیشمندانی هستند که صلاحیت توسعه غربی را زیر سؤال می‌برند. آنان توسعه غربی را سرابی ویرانگر می‌دانند که نه تنها آرامش و سعادت برای انسان به بار نمی‌آورد، بلکه موجب بحران‌های فزاینده‌ای می‌شود که حیات مادی و معنوی انسان را تهدید می‌کند. آنان معتقدند تکنولوژی جدید در تمدن غرب، ابزار نیل به اهداف است و به دلیل خصلت‌های ذاتی خود، انسان را در معرض نابودی قرار می‌دهد. در میان متفکران معاصر ایران می‌توان به سید حسین نصر اشاره کرد. وی معتقد است «معرفت‌شناسی حس‌گرا و تجربه‌باور که بر افق انسان غربی در عصر جدید سیطره یافته است، در ارجاع و فروکاستن واقعیت به جهانی که به تجربه حواس درآید، موفق بوده و از این رو معنای واقعیت را محدود کرده است. پیامد این دگرگونی در معنای واقعیت، دست کمی از امر فاجعه‌آمیز ندارد و خداوند را و در واقع تمام ساحت‌های معنوی وجود را به مقوله امور انتزاعی و سرانجام به امور غیر واقعی ارجاع و تحویل می‌کند.» (نصر، ۱۳۷۹: ۳۱) البته ناگفته نماند که انتقاد از تمدن غربی اختصاص به متفکران مسلمان و ایرانی ندارد بلکه برخی نحله‌های فکری غرب، خود آغاز کننده جریان انتقادی نسبت به وضعیت لجام گسیخته توسعه در غرب بوده‌اند. هایدگر، مکتب فرانکفورت، فوکو و ... نقدهای کوبنده‌ای به عقلانیت ابزاری غرب وارد کردند.

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

در کنار این دو دیدگاه نسبت به امر توسعه، تجربه تاریخ معاصر ایران از اجرای برنامه‌های توسعه‌ای، حکایت از ناکارآمدی این الگوی وارداتی و تخریب بنیان‌های بومی پیشرفت در کشور ما بوده است که ضمن نادیده گرفتن بستر و بافت جامعه ایرانی در برنامه‌ریزی خود، مبانی اسلامی جامعه ایران را نیز تضعیف کرده‌اند. کشور ما از نظر تاریخی چهارمین کشور جهان (پس از آلمان ۱۹۳۳) و فرانسه و ژاپن (۱۹۴۷) بوده که به برنامه‌ریزی توسعه پرداخته است. (امامی، ۱۳۹۱) قبل از انقلاب ۵ برنامه توسعه به اجرا درآمد و از سال ۱۳۶۸ تاکنون نیز ۵ برنامه دیگر اجرا شده است. علی‌رغم اجرای ده برنامه توسعه هنوز مشکلات جاری است و مسأله توسعه به چالشی اساسی و جاری در کشور ما تبدیل شده است. همچنین بررسی آثار و پیامدهای توسعه در کشور ما نشان می‌دهد توسعه به سبک غربی، از یک سو نتوانسته مانند کشورهای غربی باعث توسعه شود و از سوی دیگر نیز باعث کم‌رنگ شدن ارزش‌های اسلامی ایرانی شده است. دلیل این امر را باید در اینجا جستجو کرد که «مبانی»، «اقتضائات و مسائل» و «اهداف و غایات» توسعه با مبانی و اقتضائات و اهداف جامعه اسلامی - ایرانی زاویه دارد و این امر ضرورت طراحی الگویی متناسب با جامعه اسلامی ایران را ایجاب می‌کند. (مختاریان پور، ۱۳۹۵، ۱۱) نگاه عقلایی حکم می‌کند که با درک ژرف از اندوخته‌ها و آموزه‌های «دینی - ملی» و نیز نگاه خردورانه به تجربه‌های بشری در دوره تجدد، می‌توان به بومی‌سازی الگوی توسعه برخاسته و آن را در خاک خودی نشانند و از آفت و بیماری‌ها پیرایش کرد. این روش گرچه دشوار می‌نماید اما کارآمدی و پیروزی همه جانبه را به همراه خواهد داشت. (شیخ حسینی، ۱۳۸۹، ۸۵)

مسأله مناقشه برانگیز دیگر که ضرورت تدوین الگوی اسلامی - ایرانی را فراهم آورده است، اختلاف در تعریف از مفهوم پیشرفت در دو جهان بینی غربی و اسلامی است. بر اساس اندیشه مدرن از پیشرفت، هدف و غایت دانش، مطلوبیت مادی است (بوری، ۱۹۲۰، ۵۰) در واقع نظرگاه مدرن معتقد است بزرگ‌ترین مشکل بشر در تمام طول تاریخ تمدن‌ها، تولید غذا و مبارزه با طبیعت بوده است و به همین علت، اعصار زندگی بشر بر کوهی زمین را با روند تکامل ابزار تولید انطباق می‌دهد. این تفکر انسان را حیوان ابزارساز تعریف کرده و ورود بشر در عصر تکنولوژی را بزرگ‌ترین واقعه‌ی تاریخ و غایت توسعه اقتصادی را تمتع هر چه بیشتر از لذایذ دنیایی می‌داند. (آوینی، ۱۳۸۶، ۹-۱۰) در مقابل این دیدگاه، در الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، نگاه چند بعدی به پیشرفت وجود دارد. پیشرفت در نگاه اسلامی اصالتاً یک اعتلای معنوی است که دارای آثار و برکات دنیایی بسیار بوده و در واقع اصلاح دنیا از مسیر اصلاح معنوی می‌گذرد. در واقع تعالی، به خاطر این که با فطرت انسان و جهان طبیعت سازگار است منجر به آبادی جهان و دستیابی به آسایش و آرامش بشر به طور هم‌زمان می‌شود. این نگاه از آنجا که برای برآوردن و تأمین تمامی نیازهای مادی و معنوی انسان به طور متعادل برنامه‌ریزی می‌شود لذا در مقایسه با توسعه که در آن تنها برای تأمین نیازهای مادی برنامه‌ریزی می‌شود، می‌تواند کیفیت زندگی بسیار متفاوتی را برای انسان ایجاد کند. (مختاریان پور، ۱۳۹۱)

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

در همین رابطه است که رهبر معظم انقلاب با اشاره به انتخاب کلمه «پیشرفت» به جای کلمه «توسعه» به دلیل بار ارزشی منفی این مفهوم در این الگو تأکید داشته‌اند: «کلمه توسعه، یک اصطلاح متعارف جهانی، با بار معنایی و ارزشی و الزامات خاص خود است که ما با آنها موافق نیستیم، بنابراین از کلمه «پیشرفت» استفاده شد، ضمن اینکه وام نگرفتن از مفاهیم دیگران، در طول انقلاب اسلامی سابقه داشته است... با وجود همه تغییرات به وجود آمده در مدل‌های توسعه، به علت اینکه این مدل‌ها از نگاه اومانیستی و جهان‌بینی سکولار سرچشمه می‌گیرند، نتوانسته‌اند اهداف مورد نظر جوامع بشری را تأمین کنند، ضمن اینکه علاوه بر تفاوت‌های ایدئولوژیک، جغرافیای پیشرفت ایران نیز متفاوت است» (کاظمی، ۱۳۷۷، ۱۴) و در جایی دیگر درباره انتخاب واژه «پیشرفت» به جای «توسعه» فرموده‌اند: «پیشرفت» در یک جهت محض نیست. مقصود از پیشرفت، پیشرفت همه جانبه است. از همه ابعاد در کشور، این ملت، شایسته و سزاوار پیشرفت است. (بیانات مقام معظم رهبری در حرم مطهر رضوی، ۱۳۸۸/۱/۱) پیشرفت در گفتمان رهبری، در ابعاد سلبی، در تمایزبخشی با مفهوم توسعه غربی و ارزش‌های وابسته به آن معنا می‌یابد.

با عنایت به چنین مباحثی پیرامون توسعه و پیشرفت و چالش‌های نظری و عملی نظریات توسعه‌ای غرب‌محور، مقام معظم رهبری در تاریخ دوم خرداد سال ۱۳۹۰ در حکمی، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت را تشکیل دادند (<http://olgou.ir>) اهداف این مرکز این گونه تعریف شد:

- ۱- تعمیق و توسعه تفکر، تحقیق و نظریه پردازی درباره مبانی، اصول، شاخص‌ها و دیگر ابعاد الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت و تکامل فرد و اجتماع بر اساس تعالیم و ارزش‌های متعالی اسلام ناب محمدی و با بهره‌مندی از دستاوردهای متقن علمی و تجارب ارزشمند بشری
- ۲- ایجاد و حفظ فضای گفتمانی اصیل و قوی در حوزه و دانشگاه و در سطح جامعه حول محور الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت
- ۳- طراحی و تدوین پیش نویس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت به عنوان سند بالادستی حاکم بر چشم‌اندازها، سیاست‌های کلی و برنامه‌های توسعه مبتنی بر مبانی اصیل اسلامی و منطبق بر مقتضیات و ویژگی‌های فرهنگی، اقلیمی و طبیعی ایران. (<http://olgou.ir>)

اکنون که به طور اختصار ضرورت‌های تأسیس و تدوین سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بیان شد، نقش عناصر و ارکان مختلف کشور در تحقق بخشیدن به اهداف این سند بررسی خواهد شد. البته نکته‌ای که در تحقق الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی باید در نظر بگیریم، تدریجی بودن مسأله است. اگر دیده می‌شود که خیلی از نظریات اقتصادی یا سیاسی در جوامع غربی نتیجه داده است بخاطر این است که ۲۰۰ الی ۳۰۰ سال از طرح این مسأله در آن جامعه گذشته است. همانطور که آنها طی یک دوره طولانی به الگوی کنونی خود رسیده‌اند، ما هم نباید تصور داشته باشیم که با یک یا دو برنامه ۵ ساله یا ۱۰ ساله می‌توانیم اهداف خود در این الگوی پیشرفت را برآورده سازیم. بنا بر فرمایشات مقام معظم

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

رهبری که بارها و در سخنرانی‌های مختلف ایشان بیان گردیده است، همه این اقدامات مقدمه‌ای بر تحقق حیات طیبه‌ای است که با ظهور حضرت حجت (عج) ممکن خواهد شد بنابراین ضروری است که با دقت و کسب تجارب بیشتر در اجرای این الگوی بزرگ و رفع اشکالات آن به صورت تدریجی و فرایندی بتوانیم این الگو را در کشور محقق سازیم.

### الف- نقش رسانه در گفتمان سازی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت

پیش از تعریف «رسانه» و بیان ویژگی‌های آن، باید توجه داشت که ارتباط نه تنها یکی از عناصر مهم و اساسی زندگی گروهی انسان است، بلکه سنگ بنای جامعه و هسته اصلی تشکیل ساختمان اجتماعی است؛ چه اینکه بدون ارتباط، هرگز فرهنگ پدیدار نمی‌گشت و بدون فرهنگ، جامعه لباس وجود بر تن نمی‌کرد. از این رو، در نظام‌های اجتماعی کوچک و بزرگ همانند خانواده، اجتماعات روستایی، شهری، کشوری و بین‌المللی، ارتباط در انتقال دانش‌ها و مهارت‌ها و نگرش و باورها و ارزش‌ها، نقش برجسته داشته است و می‌تواند به شکل‌گیری و تغییر شناخت‌ها، عقاید، ارزش‌ها و رفتار انسان منجر گردد. به همین دلیل، ارتباط به عنوان یکی از ابزارهای اصلی تغییرات اجتماعی و سیاسی مطرح است. (امیرتیموری، ۱۳۷۷، ۱۰) روشن است که ارتباط خود به خود صورت نمی‌گیرد، بلکه نیاز به ابزار است. رسانه را ابزار ارتباط دانسته‌اند و در تعریف آن چنین گفته‌اند: «رسانه وسیله‌ای است که فرستنده به کمک آن معنا و مفهوم موردنظر خود (پیام) را به گیرنده منتقل می‌کند. به عبارت دیگر، رسانه، وسیله حامل پیام از فرستنده به گیرنده است. کتاب، روزنامه، مجله، عکس، فیلم، نوار صوتی و تصویری، رادیو، تلویزیون، ماهواره و... نمونه‌هایی از رسانه هستند.» (همان) نقش و اهمیت رسانه به حدی است که به گفته تامپسون «امروزه نمی‌توان امور را بی حضور کتاب، روزنامه، رادیو و تلویزیون و سایر رسانه‌ها قابل تصور دانست» (Thmpson, 1992, 23) امروزه تحولی گسترده در عرصه ارتباطات و اطلاع‌رسانی در حال وقوع است که چشم‌انداز کاملاً متفاوتی از مفهوم و عملکرد تأثیر رسانه در برابر پژوهشگران قرار داده است. این تحول که بسیاری آن را تحول در عرصه ارتباطات و شروع پارادایمی جدید در زندگی جوامع امروزی می‌خوانند، ظهور و توسعه حیرت‌آور رسانه‌های نوین در جهان امروز است که در طول زمانی کوتاه در سراسر جهان گسترش یافته و مهم‌ترین شکل و آشکارترین محصول آن اینترنت و شبکه‌های مجازی است.

در چند دهه اخیر نقش رسانه‌ها در هدایت و کنترل افکار عمومی و ایجاد گفتمان اجتماعی به حدی قابل توجه بوده است که برخی در نگاهی افراطی رسانه‌ها را هدایت‌گران اصلی جامعه ذکر کرده و افراد را در برابر خواست‌های رسانه‌ای تسلیم می‌دانند. هر چند نظرهای افراطی در موضوع رسانه غیر قابل قبول است اما این نکته شاید بتواند نقش و اهمیت رسانه‌ها را در زندگی انسان‌های عصر دیجیتال به خوبی نشان دهد. رسانه‌ها با توجه به توانمندی‌هایی که دارند، یکی از عوامل بسیار مهم دگرگونی ارزش‌ها، باورها و معیارهای ملی می‌باشند، چه اینکه قادرند با برنامه‌ریزی‌های دقیق و کنترل شده، اندیشه‌های مردم یک جامعه را شکل دهند و رفتار آنان را به صورت دلخواه سمت و سو دهند. و این امر در دنیای امروز، که گروه‌های اولیه جای خود را به گروه‌های ثانویه داده‌اند و روابط عاطفی و چهره به چهره رنگ باخته



## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دومین و بیست و سومین خردادماه ۱۳۹۸

اند، بسیار ملموس بوده و مردم بیش از پیش تحت تأثیر رسانه های جمعی قرار دارند و این موجب سنگین شدن مسئولیت رسانه ها و صاحبان و گردانندگان آن می شود. ویلبور شران، آنان را به مثابه «دروازه بانان جامعه» دانسته است و در این باره می گوید: دروازه بانان، که در سراسر شبکه های خبری جای می گیرند، شامل خبرنگارانند که باید تصمیم بگیرند در جریان یک دادگاه یا یک حادثه خاص یا تظاهرات سیاسی، کدام قسمت را متبلور سازند. کدام خبر را رها ساخته، کدامین خبر را در مجرای وسیله ارتباطی جای دهند. همچنین دروازه بانان مؤلفان را نیز شامل می شوند؛ زیرا آنان باید تصمیم گیرند از کدام موضوع یا فرد سخن بگویند یا کدامین دیدگاه از زندگی را مطرح نسازند. تولیدکنندگان فیلم نیز باید تصمیم بگیرند از کدام صحنه، فیلم بگیرند. کتاب فروشان نیز باید تصمیم بگیرند کدام کتاب را برای فروش عرضه کنند، معلمان باید تصمیم بگیرند کدام کتاب و یا مرجع را درسی تلقی نمایند. تلخیص کنندگان وقایع نیز باید تصمیم بگیرند کدامین حادثه یا خبر را در خلاصه خود جای دهند. (ساروخانی، ۱۳۷۲، ۶۵)

بدین ترتیب و با عنایت به قدرتی که رسانه در دنیای معاصر دارد، وظیفه رسانه های کشور در قبال الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت بسیار مهم و سرنوشت ساز است. به اعتقاد نگارنده، نقش رسانه در مقایسه با سایر عناصر دخیل در این موضوع، در درجه نخست اهمیت قرار می گیرد. چرا که جهت دهی به افکار عمومی و برجسته ساختن این موضوع در اذهان مردم کاری است که از دست رسانه برمی آید. رسانه ها در ادای تکلیف خود در برابر الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت باید این سند را به صورت گفتمانی ملی درآورند. اگر بر مبنای نگاه تأسیسی میشل فوکو به گفتمان، بپذیریم که گفتمانها تولیدکننده معنای چیزهای دیگر هستند و در هر مقطعی گفتمانی متفاوت می تواند وجود داشته باشد این را نیز باید بپذیریم که هر گفتمانی می تواند برای شکست گفتمانی دیگر ایجاد شود (فرقانی، ۱۳۸۲، ۶۳) در این معنا، گفتمان مفهومی است که از آن برای شرح شبکه های از رفتارها، پندارها و گزاره ها بهره می برند تا به وسیله آن، باورهای معین یا مجموعه ای از ایده ها درباره یک مفهوم یا موضوعی خاص را بیان کنند و استمرار بخشند تا بدین شکل به آن انگاره ها، صورت طبیعی دهند و به عنوان «نظریات پذیرفتنی» معرفی نمایند. (ماتسون، ۱۳۹۲، ۱۱) رسانه ملی در این وظیفه گفتمان سازی رسالت سنگینی بر عهده دارد و باید بتواند گفتمان اسلامی - ایرانی را تقویت و تثبیت نماید. در مقابل گفتمان غرب گرایی که سالیان درازی بر رفتارهای سیاسی، اقتصادی و فرهنگی ما مسلط بوده است، و نه تنها در ایران بلکه تلاش کرده است که هژمونی خود را بر دنیا مسلط گرداند، این رسانه ملی است که می تواند با برنامه ریزی مناسب و تولید محتوای گسترده، الگوی پیشرفتی را که بنا بر رهنمودهای مقام معظم رهبری و به همت گروه بزرگی از دانشمندان ایرانی مسلمان طراحی شده است، به گفتمان مسلط پیشرفت کشور تبدیل کند و فرهنگی ساخته شود که بتواند در مقابل یورش فرهنگی و گفتمانی غرب موفق باشد. ردپای گفتمان سازی توسط رسانه ها را در سخنان رهبر انقلاب اسلامی نیز می توان دنبال نمود. مقام معظم رهبری با تأکید بر این که انجام این کار بلندمدت و بسیار مهم و دقیق، نیازمند روحیه جهادی و اخلاص است، خاطر نشان کردند: «گفتمان سازی» شرط اصلی تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت است. حضرت آیت الله خامنه ای رسوخ این الگو در فکر و جان نخبگان و سپس جوانان و آحاد مردم را

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

منوط به گفتمان‌سازی دانسته‌اند و افزوده‌اند: باید از طریق گفتمان‌سازی و بهره‌گیری از دیدگاه‌های نخبگان و صاحب‌نظران، و با صبر و حوصله، الگویی فاخر، مستحکم و ارزشمند تدوین شود. (دیدار اعضای شورای عالی مرکز طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت با رهبر انقلاب. ۱۳۹۱/۱۲/۱۴)

حضور توأمان دو طیف رسانه‌های سنتی و مدرن و هم‌گرایی این دو گونه مهم رسانه در جامعه یکی از قوت‌های نظام رسانه‌ای ایران اسلامی است. جایگاه رسانه‌های سنتی مانند مسجد، منبر، وعظ و خطابه با توجه به سابقه معرفتی و جایگاه مهم این نهادها در معرفت‌سازی، بیداری و روشنگری در کنار رسانه‌های نو در عصر اطلاعات محور، می‌تواند موجبات هم‌افزایی تأثیرات مطلوب رسانه را در جامعه فراهم ساخت و از این طریق گامی مهم در گسترش بنیان‌های اسلامی و تمدنی ایران اسلامی برداشت.

در تحقق و پیشبرد الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، ایدئولوژی اسلامی می‌تواند تعیین‌کننده کارکردهای عمومی و اختصاصی رسانه، سبک‌ها، ابزارها و شیوه‌های نمایش برنامه‌ها و ضوابط حاکم بر آن باشد. فلسفه رسانه اسلامی، چارچوب عقلانی کلی و رهنمودهای ضروری را برای کارکنان و دست‌اندرکاران رساله ملی فراهم کند. نگرش اصیل، رسانه اسلامی را نظامی جامع و کلی در نظر می‌گیرد و از این منظر، به تعیین هدف‌ها و انگیزه‌های آن می‌پردازد. در پیشبرد این الگو، رسانه ملی باید بر مبنای آموزه‌های مذهبی و موازین اخلاقی شکل گیرد و نمایش برنامه‌های قوی و با کیفیت که تأمین‌کننده نیازهای معنوی، فرهنگی و اجتماعی مخاطبان باشد، از هدف‌های اصلی رسانه باشد. (رشکیانی، ۱۳۹۲، ۲۱۴)

ضمن اینکه رسانه‌ها و به‌ویژه رسانه ملی باید ضمن بحث در مورد الگوهای توسعه به ترویج و تحکیم الگوی اسلامی - ایرانی بپردازند. در این راستا باید سلسله اقداماتی انجام شود که نخستین آن: اطلاع‌رسانی می‌باشد. اطلاع‌رسانی مهم‌ترین وظیفه رسانه ملی است. رسانه ملی ایران با در اختیار داشتن شبکه‌های مختلف تلویزیون سراسری، رادیو و شبکه‌های تلویزیونی و رادیویی استانی باید به بهترین و بیشترین شکل ممکن درباره سند الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی خبررسانی کند. این مرحله البته می‌تواند وجه تبلیغی و تجویزی پیام را نیز شامل شود؛ یعنی افزون بر اطلاع‌رسانی، رسانه درصدد تکرار و انتقال گسترده پیام نیز برآید. در این معنا، پیامها با تأکید بر ویژگی‌های مطلوب وضع مورد نظر می‌توانند منتشر و بازنشر شوند. (بابایی، ۲۰۱۳۹۴، دوم: تعمیق و اقناع مردم. در این مرحله، رسانه افزون بر تبلیغ و اطلاع‌رسانی، باید به فرایند اقناع نیز توجه کنند یعنی رسانه با تلاش صادقانه برای مجاب ساختن مخاطبان به پذیرش موضوع، به شیوه‌ای مناسب اطلاعات را به مخاطب انتقال دهد (متولی، ۱۳۸۴، ۷۳) در این مرحله باید به تبیین و تشریح بندهای مختلف این سند از سوی متخصصان و کارشناسان علوم مختلف در رسانه ملی پرداخت. بدون تردید بررسی نقادانه و تحلیلی عمیق این سند به دست متخصصان همانطور که مقام معظم رهبری هم در پیام خود از دانشگاهیان و حوزویان خواسته‌اند، منجر به کاهش کاستی‌ها و اشکالات آن و پربارتر شدن الگوی تدوین شده منجر خواهد شد.

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

اما همانطور که در سطور بالا گفته شد، رسانه ملی و آن هم در قالب تلویزیون و رادیو تنها رسانه‌های موجود نمی‌باشند بلکه طیف متنوعی از رسانه‌ها در فضای عمومی جامعه حضور دارند و هر یک نیز جامعه آماری گسترده‌ای را تحت پوشش قرار می‌دهند که با برنامه‌ریزی صحیح و کار کارشناسانه می‌توان از این ابزارها در پیشبرد اهداف سند پیشرفت کشور کمک خواست. باید با مهیا کردن بستر و زمینه‌های توسعه و رعایت حقوق مادی و معنوی اهالی رسانه با دید واقع بینانه‌ای به حوزه ارتباطات نگاه کرد، در این صورت می‌توان از رسانه‌ها و روزنامه‌نگاران هم طلب انجام مسئولیت اجتماعی خود در زمینه الگوی ایرانی- اسلامی پیشرفت را داشت. نباید با دید تنگ‌نظرانه‌ای نسبت به این مسأله نگریت و فقط بر روی رسانه ملی تمرکز کنیم و باید باور داشت که مطبوعات، خبرگزاری‌ها، پایگاه‌های خبری و حتی پیام‌رسان‌های فضای مجازی در آگاهی بخشی به عموم مؤثرتر از دستگاه‌های دیوانسالاری عمل می‌کنند و از همه توان رسانه‌ای در پیشبرد این الگو کمک خواست. در دنیایی که بنگاه‌های بزرگ رسانه‌ای، از جمله خبرگزاری‌های کلان دنیای سلطه، در شبانه روز و با همه توان اقتصادی، سیاسی و فرهنگی برای در اختیار گرفتن چشم‌ها، گوش‌ها و زبان‌ها می‌کوشند و تلاش دارند سبک زندگی غربی و مدل توسعه وابسته را تبلیغ و تحمیل نمایند، رسانه ملی و سایر رسانه‌های داخلی باید ضمن خنثی‌سازی این اقدامات، الگوی درون‌زا و اسلامی محور مورد نظر رهبری را در صدر برنامه‌های خبری و تحلیلی خود قرار دهند.

### ب- دولت

جایگاه دولت در نظام‌های اجتماعی و محدوده تصرفات و دخالت‌های منطقی آن در کلیه حوزه‌های سیاسی، فرهنگی و اقتصادی جامعه از جمله مباحثی است که افکار و اذهان اندیشمندان و تئوری‌پردازان علوم سیاسی و اجتماعی را به خود جلب کرده و تاکنون نظرات گوناگون را پیرامون آن مطرح کرده‌اند. دولت در علم سیاست، دستگاهی سیاسی اجباری با حکومتی متمرکز است که انحصار استفاده درست از اجبار و زور درون یک قلمرو جغرافیایی معین را حفظ می‌کند. مفهوم دولت در معانی دیگری نیز به کار برده می‌شود. بسیاری از نویسندگان مفاهیم «دولت» و «حکومت» را به یک معنا به کار می‌برند و در زبان عامیانه و رسانه‌ها دولت معمولاً به معنی قوه مجریه یا هیئت وزیران است که این کاربرد از واژه دولت تنها به بخشی از حکومت اشاره دارد.

نقش دولت به عنوان قوه مجریه در اجرای الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت نقشی بسیار تأثیرگذار و حیاتی خواهد بود. بخش عظیمی از تدابیر طراحی شده در این سند در گرو انجام صحیح، دلسوزانه و مسئولانه قوه مجریه در فرصت ۵۰ ساله‌ای است که برای این منظور در نظر گرفته شده است. مهم‌ترین و در اولویت‌ترین وظیفه دولت در قبال سند الگوی پیشرفت، توجه به مبانی طراحی برنامه‌های کوتاه مدت، میان مدت و یا بلند مدت کشور است. برنامه‌های توسعه اقتصادی، اجتماعی که تاکنون در کشور ما تصویب و عملیاتی شده است، به مجموعه برنامه‌های میان مدتی گفته می‌شود که به صورت ۵ ساله و توسط دولت وقت تنظیم می‌شود و به تصویب مجلس شورای ملی و یا اسلامی رسیده است. ۵

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

برنامه توسعه‌ای قبل از انقلاب که از سال ۱۳۲۷ تا انقلاب اسلامی اجرا شده و ۵ برنامه توسعه‌ایی که بعد از انقلاب و از سال ۱۳۶۸ اجرا شده است (مختاریان پور، ۱۳۹۵، ۱۱) با توجه به مبانی توسعه غربی طراحی و اجرا شده و بعد از انقلاب هم به فراخور دولت‌های وقت برخی موارد را با الزامات دینی و ملی تطبیق داده‌اند لیکن اولین اقدام دولت‌ها پس از تدوین و ابلاغ سند الگوی پیشرفت اسلامی - ایران باید مبتنی بر مبانی مطرح شده در این الگوی بومی باشد. و دولت‌های ما باید طراحی و اجرای برنامه‌های خود را منطبق بر این الگو قرار دهند. پس اولین گام دولت و در حقیقت اولین وظیفه دولت در تحقق این سند، توجه به این مبانی در برنامه‌های کوتاه، میان و بلند مدت باشد.

دولت یکی از ارکان مهم سیاست‌گذاری در کشور است و با توجه به تدابیر ۵۶ گانه‌ای که باید در انتهای اجرای این سند برآورده شود باید تمام آن بندهایی که شامل دولت می‌شود به درستی مورد توجه قرار گیرد. در این مقاله فرصت پرداختن به همه موارد آن نمی‌باشد و فقط برخی از مواردی که می‌تواند توسط دولت محقق گردد اشاره می‌شود. به عنوان مثال در بخش تدابیر و در بند ۲۹ اشاره شده است که ما باید در چشم‌انداز ۵۰ ساله «کاهش شدت مصرف انرژی و متناسب‌سازی سهم تولید و مصرف انرژی از منابع انرژی پاک» داشته باشیم. این از وظایف دولت است که با استفاده از تمام پتانسیل‌های کشور تلاش کند بسترهای لازم برای سرمایه‌گذاری دولتی و خصوصی در بخش انرژی‌های نوین استفاده نماید. یا مثلاً در بند ششم در بخش آموزش «گسترش تعلیم و تربیت وحیانی، عقلانی و علمی» و در بند هفتم « تربیت نیروی انسانی توانمند، خلاق، مسئولیت‌پذیر و دارای روحیه مشارکت جمعی با تأکید بر فرهنگ جهادی و محکم‌کاری» (<http://olgou.ir>) مورد تأکید قرار گرفته است و مقام معظم رهبری هم بارها در امر بومی‌گرایی و توجه به عناصر دینی و ملی در امر آموزش تأکید کرده‌اند و فرموده‌اند «یک حرف، در زمینه‌ی تحول در آموزش و پرورش است، که ما مکرر این را عرض کردیم ... خب، اصلاً دلیل این تحول چیست؟ آخر، بیخودی و بی‌دلیل که انسان یک چیزی را متحول نمیکند. چرا می‌خواهیم تحول ایجاد کنیم؟ دلیل ساده‌اش این است که نظام کنونی آموزش و پرورش ما توانائی لازم را برای تربیت نسل‌های گوناگون ما نشان نداده است. علت هم در درجه‌ی اول این است که این نظام و این تشکیلات، وارداتی است؛ برخاسته‌ی از نیازهای درونی ما نیست. این، یکی از مشکلات بزرگ ماست... آنچه که بد است، این است که ما بیابیم الگوهای ملت‌های دیگر و فرهنگ‌های دیگر را به طور دربست در بین ملت و کشور خودمان پیاده کنیم و اقتضائات و شرائط و زمینه‌ها را اصلاً در نظر نگیریم» (<http://farsi.khamenei.ir>) دولت اصلی‌ترین و مستقیم‌ترین وظیفه را در تحقق این چنین اهدافی بر عهده دارد و می‌تواند هم در تدوین برنامه‌های آموزشی کشور به دلیل در اختیار داشتن وزارت آموزش و پرورش و هم در تدوین کتب درسی نقش بسزائی را ایفا کند. با بررسی سایر بندهای تدابیر این سند به نقش مهم دولت در محقق شدن این سند پی خواهیم برد. به عبارتی اگر نقش رسانه و یا نخبگان بیشتر جنبه توصیه‌ای و ترغیبی دارد لیکن نقش دولت یک نقش عملی است و در حقیقت به عنوان نخستین کارگزاران اجرای این سند مطرح می‌باشد. در حوزه اقتصاد، فرهنگ و اجتماع به دلیل اینکه دولت و رئیس آن مسئول مستقیم وزارت‌خانه‌ها و دستگاه‌های اجرایی کشور هستند باید وفاداری و پای‌بندی خود را هم در مرحله طراحی

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشبران، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

برنامه‌های اجرایی اقتصادی و اجتماعی کشور و هم در مرحله اجرای این سند به خوبی انجام دهند. در مسأله تمرکززدایی در ساختار اقتصادی- مالی کشور با واگذاری برنامه ریزی و تصمیم‌گیری به استان‌ها و شهرستان‌ها در چارچوب سیاست‌های ملی، این دولت هست که باید با کم کردن بدنه دولت، در تحقق اهداف این سند مؤثر باشد. در تدابیر خواسته شده در این الگو خیلی از موارد دیگر هست که دولت در تحقق آنها باید نقش مستقیم داشته باشد که پرداختن به همه این مواردی می‌تواند موضوع پژوهش مستقلی قرار گیرد.

### ج- مردم

بدون تردید فراگیر شدن هر ایده و اندیشه‌ای در جامعه نیازمند مردمی هست که هم به خوبی مبانی آن اندیشه را فراگیرند و هم در حوزه عمل آن را به کار برند. به طور کلی مردم را دو دسته نخبگان و مردم عادی می‌توان تقسیم نمود. آنچه که در بررسی نقش ارکان نظام جمهوری اسلامی در پیشبرد اهداف سند الگوی پیشرفت اسلامی - ایرانی مهم و مؤثر است، نخبگان جامعه می‌باشند. این نخبگان هستند که به عنوان مرجع مردم در امور مختلف سیاسی، اقتصادی و فرهنگی نقش مهمی در فراگیر شدن اندیشه یا عملی دارند. مردم عادی به دلیل عدم داشتن مسؤلیت در موارد مختلف و همچنین عدم تأثیرگذاری بر جامعه آماری زیاد، نمی‌توانند نقش مهمی هم در پیشبرد الگوی مورد نظر داشته باشند. بنابراین ضمن ارائه تعریفی از «نخبگان»، بر نقشی که آنها می‌توانند در این حوزه داشته باشند، تأکید خواهد شد.

واژه نخبه در فرهنگ فارسی معین به معنای «برگزیده و انتخاب از هر چیز» می‌باشد. معمولاً برای توصیف کسانی به کار برده می‌شود که دارای ویژگی‌ها، استعدادها و توانایی‌های فوق‌العاده ذهنی، فکری و روحی می‌باشند. «نخبگان به کسانی اطلاق می‌شود که با توجه به نقشی که در جامعه بر عهده دارند کاری انجام می‌دهند و استعدادهای طبیعی دارند، موقعیت‌های برتری را نسبت به متوسط افراد جامعه دارند و در واقع نخبگان را می‌توان از اعضای ممتاز جامعه دانست» (گی‌روشه، ۱۳۸۰، ۱۱۶) در یک تقسیم‌بندی کلی نخبگان را به دودسته نخبگان سیاسی (ابزاری) و نخبگان فکری تقسیم می‌کنند. نخبگان ابزاری در حقیقت همان صاحبان قدرت و تصمیم‌گیرندگان سیاسی هستند و نخبگان فکری شامل نویسندگان، دانشگاهیان، محققان، کارشناسان، خبرنگاران و هنرمندان هستند که اندیشه و روش و رهیافت و راهبرد تولید می‌کنند. واقعیت این است که بسیاری از مردم توانایی تجزیه و تحلیل و شناخت پدیده‌های اجتماعی - سیاسی را ندارند و نیازمند رهبری فکری، اجتماعی و سیاسی می‌باشند. و بنا بقول رهبری «یک فرهنگ و یک گفتمان، اول در میان نخبگان و به تبع آن در سطح عموم جامعه به وجود می‌آید.» (<http://farsi.khamenei.ir>) متقابلاً نخبگان می‌بایست از موقعیت و جایگاه خود در جهت پیشرفت، بهبود و حل مسائل زندگی و معضلات فکری و فرهنگی و همین مشکلات اجتماعی و حکومتی بهره‌گیری کنند. لذا خدمت به مردم و تأمین نیازهای مادی و معنوی آنان در حد توان و استعداد برای همگان و به ویژه نخبگان یک ضرورت و مسؤلیت سنگینی است.

## هشتمین کنگراس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

اکنون که در دهه چهارم انقلاب اسلامی، سند پیشرفت کشور به همت و همکاری چندین ساله نخبگان علمی و فکری کشور و با صرف ساعت‌ها وقت تدوین شده است، نقش ایشان در گفتمان سازی الگو و مشارکت آنان در اجرای هر چه بهتر الگو بدیهی و ضروری است. همانطور که مقام معظم رهبری این کار عظیم را کار یک مجموعه خاص ندانسته‌اند و از همه ظرفیت نخبگانی کشور برای رساندن این پروژه به نقطه مطلوب آن کمک خواسته‌اند، نخبگان دانشگاهی باید تمام تلاش خود را به کار ببرند تا نخست این سند را از هر گونه نقصی برهانند و سپس با جدیت مبانی و اصول این سند ملی را به کار بندند. مسلم است که نقش دانشگاه‌ها و حوزه‌های علمیه در طرح ریزی و اجرای الگوهای پیشرفت اسلامی - ایرانی حائز اهمیت فراوان است. برخی فعالیت‌هایی که نخبگان دانشگاهی و فکری ما می‌توانند برای تحقق چشم‌اندازهای این الگوی پیشرفت انجام دهند می‌تواند به شرح زیر باشد:

- همکاری مستمر و بدون وقفه نخبگان فکری و دانشگاهی با مرکز الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت.
  - تدوین برنامه جامع دانشگاهی و تدریس مبانی این الگو در تمامی سطوح دانشگاهی
  - جلب مشارکت نخبگان، نیازمند تعامل مؤثر آن با دانشگاه، حوزه، حاکمیت و دستگاه‌های اجرایی است و هرگونه تکروی و عدم تعامل منجر به عدم توفیق مرکز الگو خواهد شد.
  - برگزاری جلسات عمومی در دانشگاه‌ها و کرسی‌های نقد و نظریه‌پردازی که مورد تأکید مقام معظم رهبری هم بوده و هست.
  - تعریف درس یا واحد دانشگاهی با عنوان «الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» در دانشگاه‌ها از سوی نخبگان اداری و علمی کشور.
  - ایجاد گفتمان در میان نخبگان و عموم مردم به سمت نفی وابستگی به الگوهای غربی.
  - الزام پرهیز نخبگان فکری و ابزاری که در مراکز برنامه‌ریزی و علمی کشور درباره مسائل اصلی همچون مسائل اقتصادی و سیاسی متمرکز هستند از الگوهای غربی
- بسیاری از بندهایی که در بخش تدابیر سند الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت مطرح شده است، نیازمند مشارکت نخبگان دانشگاهی ما است تا جامه عمل بپوشد. به عبارتی در نتیجه اقدامات نخبگان هست که می‌شود انتظار تحقق هر چه سریع‌تر این الگو را داشت. به عنوان مثال:
- بند ۷ تدابیر: تربیت نیروی انسانی توانمند، خلاق، مسئولیت‌پذیر و دارای روحیه مشارکت جمعی با تأکید بر فرهنگ جهادی و محکم‌کاری. این امر بر عهده دانشگاه‌ها و اساتید ما هست که بتوانند چنین نیروهایی را تربیت کنند.
  - بند ۱۰ تدابیر: اهتمام به احیا و توسعه نمادهای اسلامی ایرانی به ویژه در پوشش، معماری و شهرسازی با حفظ تنوع فرهنگی در پهنه سرزمین.

## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیست و دوم و بیست و سوم خردادماه ۱۳۹۸

- بند ۱۲ تدابیر: تقویت و گسترش تولید علمی اصیل، بومی و مفید در رشته‌های علوم انسانی با بهره‌گیری از مبانی و منابع اسلامی و دستاوردهای بشری.
- بند ۱۴ تدابیر: کوشش و تعامل فکری بلندمدت و پایدار نخبگان و مؤسسات علمی برجسته کشور در عرصه بین‌المللی.

این چند مورد به اختصار و فقط در راستای تأکید بر اهمیت نقش نخبگان بیان گردید تا به حساس بودن نقش نخبگان به عنوان گروهی تأثیرگذار در فرایند اجرایی و تحقق الگوی پیشرفت اشاره‌ای شده باشد. در جای جای بندهای ۵۶ گانه‌ای که به عنوان تدابیر و اهداف این الگو طراحی شده است، می‌توان به اهمیت نقش نخبگان در برآورده شدن آنها اشاره نمود. از لحاظ فرهنگی اگر دانشگاه‌ها و نخبگان ما به این سمت حرکت کنند، آنگاه می‌توان توقع داشت که از دل این الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت نتیجه مثبتی بیرون آید، وگرنه این بحث در سطح مجامع خاص باقی می‌ماند. فرهنگسازی در سطح عمومی در این حوزه باید صورت گیرد تا عملاً هم بتوان این مسیر را طی کرد. از نظر مقام معظم رهبری لازمه‌ی تحقق الگوی اسلامی-ایرانی پیشرفت و رسوخ آن در میان نخبگان، گفتمان‌سازی آن در جامعه است و برای این کار باید از طریق گفتمان‌سازی و بهره‌گیری از دیدگاه‌های نخبگان و صاحب‌نظران، و با صبر و حوصله، الگویی فاخر، مستحکم و ارزشمند تدوین شود. (<http://farsi.khamenei.ir>)

### نتیجه‌گیری

پس از سال‌ها اجرای برنامه‌های توسعه در کشور، آنچه به منصفه ظهور رسیده است توسعه‌ای ناقص و غیر منطبق با واقعیت‌های کشور بوده است. از همین رو تدوین الگویی برای پیشرفت که مبتنی بر مؤلفه‌های دینی و ملی ما باشد مورد تأکید مقام معظم رهبری قرار گرفت. بررسی مبانی این سند نشان می‌دهد که مبانی اسلامی و تطبیق آن به شرایط تاریخی، جغرافیایی و طبیعی ایران به خوبی رعایت شده است و سعی شده از افتادن به دام توسعه غربی جلوگیری شود. لیکن آنچه مهم است در معرض نقد گذاشتن این سند از سوی مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت هست تا همه نخبگان بتوانند نقاط ضعف و قوت آن را بیان نمایند و در رفع نواقص آن بکوشند و از سوی دیگر مهم این است که این برنامه بعد از رفع نواقص، به درستی اجرا شود. در این میان سه رکن اساسی مؤثر در این اجرای این سند را می‌توان دولت، رسانه و نخبگان دانست که با توجه به تدابیر ۵۶ گانه‌ای که طراحی شده نقش هر کدام این ارکان می‌تواند حیاتی باشد.

# هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشرانها، چالشها و الزامات تحقق؛ بیت و دووم و بیت و سوم خردادماه ۱۳۹۸

## کتابنامه

- امامی، سید مجتبی (۱۳۹۱) «چیستی الگو در الگوی اسلامی- ایرانی پیشرفت: طرح‌واره‌ای از منظر خط‌مشی گذاری عمومی» سلسله نشست های تخصصی طراحی نقشه راه در تدوین الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت. تهران: دانشگاه امام صادق.
- امراثی، حسن، (۱۳۸۸). مهندسی سیاست. تهران: شوکا. چاپ اول.
- امیر تیموری، محمد حسن. (۱۳۷۷) رسانه های آموزشی، شیراز، ساسان.
- آوینی، سید مرتضی. (۱۳۸۶) توسعه و مبانی تمدن غرب. تهران: انتشارات ساقی.
- بابایی، محمد (۱۳۹۴) «نقش رسانه در زمینه‌سازی تحقق تمدن نوین اسلامی: با تأکید بر گفتمان‌سازی و پویا سازی فراگیر رسانه‌ای». مجله مطالعات رسانه و امت، ش ۳، ص ۲. صص ۵-۳۶
- رشاد، علی اکبر (۱۳۹۱) «نه گام تا الگوی پیشرفت اسلامی ایرانی»، مجموعه مقالات اولین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت: نقشه راه تدوین و طراحی الگو، تهران: مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، صص ۴۴-۴۷.
- رشکیانی، مهدی (۱۳۹۲) رسانه ملی و الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت، قم، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما.
- روشه، گ. (۱۳۸۰) تغییرات اجتماعی، ترجمه م. وثوقی. تهران: نشر نی. چاپ یازدهم.
- ساروخانی، باقر. (۱۳۷۲) جامعه شناسی ارتباطات، تهران، اطلاعات.
- سریع‌القلم، محمود. (۱۳۸۲) عقلانیت و توسعه یافتگی ایران. تهران: مرکز پژوهش های علمی و مطالعات استراتژیک خاورمیانه .
- شیخ حسنی، محمود. (۱۳۸۹) «الزامات ترسیم فضای پیشرفت عادلانه اسلامی» فصلنامه راهبرد بومی. ش ۱۰۴. تهران: اردیبهشت ۱۳۸۹. صص ۸۱-۱۰۸.
- فرقانی، محمد مهدی. (۱۳۸۲) راه دراز گذار: بررسی تحول گفتمان توسعه سیاسی در ایران، تهران، فرهنگ و اندیشه.
- کاظمی، سید علی اصغر. (۱۳۷۷) بحران جامعه مدرن. تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلام.
- فاتح راد، مهدی و اکبری، شهناز و جهانی زاده فاطمه و ... (۱۳۹۱) «طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» مجموعه مقالات اولین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران، مرکز الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، صص ۷۷۹-۷۶۳.
- ماتسون، دونالد (۱۳۹۲) گفتمان‌های رسانه: تحلیل متون رسانه‌ای، ترجمه عبدالحسین کلانتری و بهزاد احمدی، تهران، انتشارات مرکز مطالعات و توسعه رسانه.
- متولی، کاظم (۱۳۸۴) افکار عمومی و شیوه‌های اقناع، تهران: بهجت.
- مختاریان پور، مجید. (۱۳۹۱) «طرح‌واره‌ای برای طراحی الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت» سلسله نشست‌های تخصصی طراحی نقشه راه در تدوین الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت. تهران: دانشگاه امام صادق.
- مختاریان پور، مجید. (۱۳۹۵) «مدل فرایندی طراحی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت» دو فصلنامه علمی - پژوهشی مطالعات الگوی پیشرفت. س ۴. ش ۸. پاییز و زمستان ۱۳۹۵. تهران.
- معین، محمد (۱۳۸۶) فرهنگ فارسی معین، ج ۱، تهران: نشر زرین.



## هشتمین کنفرانس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت؛ الگوی پیشرفت؛ پیشبران ما، چالش‌ها و الزامات تحقق؛ بیت و دوم و سوم خردادماه ۱۳۹۸

- میرمعزی، سیدحسین (۱۳۸۹) الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت محصول اسلامی سازی علوم انسانی، کتاب نخستین اندیشه‌های راهبردی الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، تهران، پیام عدالت.
- نصر، سیدحسین. (۱۳۷۹) نیاز به علم مقدس. ترجمه حسن میان‌داری. قم: مؤسسه فرهنگی طه .
- Bury. J.B. (1920) the idea of progress, an Inquiry into its Origin and Growth, London : Macmillan& co.
- Thmpson. Jone.B. (1992) Ideology and modem Cultre, uk, polity press.

سایت‌ها

<http://farsi.khamenei.ir>

<http://olgou.ir>

<http://leader.ir/fa>